

نقش تربیت دینی خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی

فایزه سادات طباطبایی امیری / اکرم محمدیان^۱

چکیده

حیات بشری همواره با فرهنگ توأم بوده است و جامعه‌ای که فرهنگ مخصوص به خود ندارد، مرده است. فرهنگ بلد ما برای تکامل باید با سایر فرهنگها و حذب عناصر مثبت آن تولدایی تبادل داشته باشد. بنابراین، تمام فرهنگها باید در تعامل با یکدیگر باشند، اما گلهی مجموعه‌های سیاسی یا اقتصادی برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد و باورهای تازه‌ای را به رور و به قصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد می‌کند. در این صورت مقاومت ساری نسل در برابر توطئه‌ها و قطع ریشه‌های تهاجم‌پذیری، در درون خانواده‌ها و با تربیت صحیح فرزندان امکان‌پذیر است. مقاله حاضر، در نظر دارد با هدف ترمیم نقش خانواده که مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است، علاوه بر بررسی ابزار تهاجم فرهنگی و راههای مقابله با آن، شاخص‌ها و ویژگی‌های مهم محیط خانواده را در این رویارویی معرفی نماید. نتایج بررسی نشان می‌دهد از آنجا که انسان‌ها در خانواده به هویت و رشد شخصیت دست می‌یابند و فقط در خانواده‌های سالم می‌توانند به تکامل معنوی و اخلاقی برسند از این رو، خانواده نه تنها عامل کمال‌بخشی، آرامش و بالندگی اعضای خویش است بلکه در تحولات اساسی حولم نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و منتهب، آموزش و حکومت نیز از عملکرد خانواده متأثر می‌شوند.

در زمینه مقابله با تهاجم فرهنگی نیز خانواده‌ها می‌توانند با تربیت دینی فرزندان، نقش خطیر خود را در جامعه به خصوص جامعه اسلامی به ظهور برسانند.

کلیدواژه: تهاجم فرهنگی، فرهنگ‌پذیری، تبادل فرهنگی، تربیت دینی،

تربیت اسلامی، نهاد خانواده.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد / دانش‌آموخته کارشناسی ارشد

در زندگی بشر همواره فرهنگ، جاری بوده و جامعه‌ای که فرهنگ ویژه‌ای ندارد، مرده است. افزون بر این، فرهنگ باینده برای تکامل، باید توانایی تبادل با سایر فرهنگ‌ها و جذب ویژگی‌های مثبت آنها را داشته باشد. بنابراین، تمام فرهنگ‌ها با یکدیگر در تعامل اند تا بتوانند بشر را به پیشرفت مطلوب برسانند.^۱

تبادل فرهنگی ملت‌ها در تاریخ به صورت طبیعی وجود داشته و عاملی برای رشد و پیشرفت پی‌درپی آنها بوده است. تبادل فرهنگی برای تازه ماندن آموزه‌ها و زندگی فرهنگی بشر، ضروری است و جامعه انسانی را در پیشبرد ارزش‌ها و پیمودن مسیر سعادت یاری می‌دهد. این جریان فرهنگی، دوسویه است و هنگام قوت و توانایی ملت‌ها صورت می‌گیرد. در این روند، ملت‌ها با هدف ترویج ارزش‌های بشری، به تبلیغ مطلوب‌ها و پسندهای خود می‌پردازند و نگاه از عناصر و مفاهیم برجسته فرهنگ‌های دیگر، وام می‌گیرند.

«تبادل فرهنگی» و «تهاجم فرهنگی» در دو جبهه مخالف قرار دارند. تبادل فرهنگی، فرایندی دوسویه و طبیعی است و با رضایت دو طرف صورت می‌گیرد، ولی تهاجم فرهنگی یک‌سویه، غیر داوطلبانه و سلطه‌گرانه است و اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و گاهی نظامی دارد. معرفی، انتقال و جایگزینی ارزش‌ها در تهاجم فرهنگی نیز تحمیلی است. هدف تبادل فرهنگی، به‌روز کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است، ولی هدف تهاجم فرهنگی، ریشه‌کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است.^۲ مقاومت‌سازی نسل در برابر دسیسه‌ها و قطع زمینه‌های تهاجم‌پذیری، در درون خانواده با تربیت صحیح فرزندان امکان‌پذیر است. در اهمیت خانواده، همین بس که یکی از نهادهای بنیادین جامعه انسانی است که در طول تاریخ، به اشکال گوناگون وجود داشته است. این نهاد با کارکردها و نقش‌های مختلفی که بر عهده دارد در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی دارد؛ چرا که انسان در درون خانواده متولد شده،



رشد یافته، بسیاری از امور و مفاهیم را فرامی‌گیرد و همواره با آن سروکار دارد. از این رو، مهم‌ترین تجربه‌های انسانی که اساسی‌ترین عوامل شکل‌دهنده شخصیت‌اند، در خانواده نمود پیدا می‌کند. به همین دلیل، خانواده تأثیر ژرف و شگرفی بر دیگر نهادهای اجتماعی دارد.^۲

همچنین خانواده، مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بیادبی جامعه است که پیوسته در حال تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دوسویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسان در خانواده، به هویت و شخصیت دست می‌یابد و در خانواده سالم به تکامل معنوی و اخلاقی می‌رسد. از این رو، خانواده نه فقط عامل کمال‌بخشی و آرامش و بالندگی اعضای خویش است، بلکه در دگرگونی‌های اساسی جوامع، نقش مهمی ایفا می‌کند. مذهب و حکومت نیز از عملکرد خانواده تأثیر می‌پذیرند و این تأثیرپذیری، باعث ایجاد دگرگونی می‌گردد.^۴

با توجه به آنچه بیان شد، مطالب این نوشتار در دو بخش بررسی می‌گردد؛ در بخش نخست، پدیده تهاجم فرهنگی، ویژگی‌ها، ابزارها و شیوه‌های تهاجم فرهنگی در عصر حاضر و نیز برخی از راهکارهای مبارزه با آن بیان می‌گردد و در بخش دوم، کارکرد خانواده در رشد ارزش‌ها و باورهای دینی کودکان، نوجوانان و جوانان مطرح و در پایان به نقش کلیدی تربیت اسلامی خانواده در مقابله با پدیده تهاجم فرهنگی اشاره می‌شود.

فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی

فرهنگ را می‌توان به دو نوع مادی و معنوی دسته‌بندی کرد. فرهنگ مادی، تمامی چیزهای عیبی و ملموس است، مثل آثار هنری، دستاوردهای صنعتی، باهای تاریخی، خط، موسیقی و... فرهنگ معنوی یا غیرمادی نیز عبارت است از باورها و رسوم، علوم و معارف، ارزش‌ها و اندیشه‌ها، اخلاقیات، دانستی‌ها و...^۵

به طور معمول، فرهنگ مادی با تأثیرپذیری از فرهنگ معنوی رشد می‌کند؛ زیرا نوع نگرش به هستی و جهان و ارزش‌های حاکم بر جوامع، ساخت ابزار جدید امور زندگی و رفاه اجتماعی را جهت می‌دهد. برای مثال، شیوه نگرش، ارتباط و معاشرت انسان‌ها، آنان را به سمت ساختاری ویژه در معماری سوق می‌دهد و یا نوع نگرش زنان به حقوقشان، آنان را در انتخاب نوع لباس یا رفتار، رهمون می‌سازد.^۶ فرهنگ مادی نیز در فرهنگ معنوی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، وارد شدن و جای گرفتن فن آوری جدید که در شمار فرهنگ مادی است، ارزش‌های جدیدی را با خود می‌آورد و ارزش‌هایی را نیز ویران می‌سازد.^۷

ویژگی‌های فرهنگ

ویژگی‌های فرهنگ را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. آموختنی و اکتسابی است؛ افراد هر نسل، میراث فرهنگی را از نسل گذشته دریافت می‌کند و به نسل بعد می‌سپارند.
۲. زنده است؛ جبهه پذیرندگی فرهنگ، مربوط به زنده بودن آن است و ایستایی فرهنگ، مساوی با مرگ آن است.
۳. فطرت‌ناوی انسان است و به خودی خود عمل می‌کند. بر این اساس است که ارزش‌ها، بایدها و نبایدها و اهداف و عادات، پایه‌های فرهنگ را می‌سازند.
۴. فراتر از سواد و تحصیلات است؛ زیرا با فطرت و سرشت انسان‌ها مرتبط است.
۵. هویت‌دهنده است؛ تنظیم‌کننده روابط اجتماعی و تعیین‌کننده نوع پیش و نگرش فرهنگ‌پذیر است.
۶. نسبی است؛ یعنی متنوع است و تدابیر و روش‌های هر گروه با گروه دیگر متفاوت است. هر قومی تفکر و عادات‌های ویژه‌ای دارد.
۷. مستقل‌شدنی است؛ هر گروه انسانی، میراث اجتماعی (فرهنگ) خود را به دیگران انتقال می‌دهد.



۸ ویژه انسان است؛ فرهنگ، شامل گذر از مرحله غربی به رفتار آموخته است. در واقع، مفهومی تجریدی از دیدن رفتار انسان‌هاست.^۸

تهاجم فرهنگی

امروزه با توجه به رشد فکری و آگاهی عمومی ملت‌های جهان، سلطه و افزایش مستعمرات، بالشکرکشی نظامی به آسانی امکان‌پذیر نیست و هزینه‌های زیادی را بر مهاجمان تحمیل می‌کند. به همین سبب، از یک قرن پیش‌تر استعمارگران، روش نفوذ خود را در کشورها تغییر دادند. این کشورها با تبلیغ مذهبی، رواج فن‌آوری، ترویج زبان، انجمن‌های خیریه، ترویج بهداشت، سوادآموزی و... مقاصد خود را دنبال می‌کند. به عبارت دیگر، نام اهداف خود را سیاست‌های فرهنگی می‌گذارند. هرچند این عاوین از دیدگاه نوع‌دوستی و انسانیت، مورد تردید نیست، ولی تاریخ نشان می‌دهد که با این برنامه‌ریزی دقیق، در پی رشد و بالندگی فرهنگ کشورهای هدف نیستند، بلکه زمینه اسارت کامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان را فراهم ساخته‌اند.^۹

استعمارگران به این نتیجه رسیدند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی آن است. آنان می‌خواهند ارزش‌های مورد پسند خود را ارزش‌های مرفقی جلوه دهند و جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت‌ها سازند و از این راه، بدون هیچ دغدغه‌ای، از مافع آینده خود در این کشورها اطمینان داشته باشند. این جمع‌بندی، به ویژه در دهه‌های اخیر، میبای فعالیت‌های سازمان‌یافته گسترده‌ای شده که غرب، آنها را معیارهای تمدن، رشد و توسعه معرفی می‌کند. در فرهنگ سایر ملت‌ها، این اقدامات را با تعبیر مختلفی می‌شناسند که مفهوم مشترک آنها در «هجوم فرهنگی» نهفته است.^{۱۰}

جایگزینی فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی، به شکلی هوشیارانه که بتواند ملت و

جامعه‌ای را نسبت به فرهنگ خود بیگانه و مطیع غرایز بیگانگان کند، «تهاجم فرهنگی» نامیده می‌شود.

در کتاب‌های دلیر آلمعارفی غرب نیز به این مطلب اشاره شده است. میشل پانوف در کتاب فرهنگ جامعه‌شناسی در توضیح اصطلاح «فرهنگ‌پذیری»، به این تسلط و استعمار فرهنگی غرب اشاره کرده و می‌نویسد:

این اصطلاح را از اواخر قرن گذشته، انسان‌شناسان انگلیسی‌زبان به کار بردند و مراد از آن، تعیین پدیده‌هایی است که از تماس مستقیم و ادامه‌دار بین دو فرهنگ مختلف نتیجه می‌شوند و از تبدیل یا تغییر شکل یک یا دو نوع فرهنگ، در اثر ارتباط با یکدیگر، حکایت می‌کند. بنابراین، مراد از فرهنگ‌پذیری، جنبه ویژه‌ای از فرآیند انتشار آن است. امروزه فرهنگ‌پذیری - گلهی در معنای محدودکننده‌تر - به تماس‌های خاص دو فرهنگ که نیروی نامساوی دارند، اطلاق می‌شود. در این صورت، جمله غالب که هم‌لنگ‌تر و یا از نظر تکنیک، مجهزتر است - معمولاً از نوع جرم صنعتی - به طور مستقیم یا غیر مستقیم به فرهنگ حاکم تحمیل می‌گردد.^{۱۱}

ویژگی‌های تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی در مقایسه با تهاجم نظامی یا اقتصادی، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. تهاجم فرهنگی، نامحسوس، درازمدت و دربرپاست و ریشه‌ای و ژرف است. همه‌جانبه و حساب‌شده بودن، داشتن برنامه و ابزارهای گسترده و فراگیر و کارسازی و خطرزایی از دیگر ویژگی‌های این یورش است. افزون بر اینها، تهاجم فرهنگی همانند کار فرهنگی، آرام و بی‌سروصداست و قربانیان آن بیشتر، جوانان‌اند.^{۱۲} در تهاجم نظامی، دشمن با تجهیزات و امکانات نظامی وارد کارزار می‌شود، ولی در تهاجم فرهنگی، نیازی به لشکر کشی و هزینه‌های سنگین نظامی نیست. همچنین

دشمن در این تهاجم برای تحمیل حاکمیت فرهنگ خود، از همه ابزارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، روانی و تبلیغاتی بهره می‌گیرد.

در تهاجم نظامی، فقط بخشی از مرزها و سرزمین‌های مجاور در تیررس مستقیم دشمن قرار می‌گیرد، ولی در تهاجم فرهنگی، سلاح‌های ویرانگر دشمن، تا خانه‌ها پیش می‌رود و ذهن و قلب انسان‌ها را نشانه می‌گیرد. به همین دلیل است که پس از جنگ جهانی دوم، آیزنهاور، رئیس جمهور وقت آمریکا، اعلام کرد: «بزرگ‌ترین جنگی که در پیش داریم، جنگی است برای تسخیر اذهان انسان‌ها».^{۱۳}

شیوه‌های تهاجم فرهنگی

شیوه‌های تهاجم فرهنگی به دو بعد خارجی و داخلی تقسیم می‌شود. در بعد خارجی، مهاجمان با امکانات و موقعیت‌های مختلفی که در گروه‌های بین‌المللی دارند و با استفاده از شبکه‌های گسترده بگانه‌های تبلیغاتی و سخن‌پراکنی خود، می‌کوشند با عاوری چون نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم، وجود خفقان و سانسور، آزاد نبودن زنان و مطبوعات و نویسندگان، جنگ‌طلبی، ماجراجویی و... تصویری تحریف شده و ناخوشایند از فرهنگ جامعه هدف در اذهان مردم دنیا ترسیم نمایند. طبیعی است که در این راه، زشت‌ترین و شیطانی‌ترین شیوه‌ها را نیز برمی‌گزینند.

بعد داخلی تهاجم فرهنگی غرب در کشورهای اسلامی به دو شیوه رخ می‌نماید: الف) ترویج اندیشه‌های غیر اسلامی و گاه ضد اسلامی، تبلیغ اندیشه‌های التقاطی، تقدس‌زدایی و توهین به مقدسات، سست نمودن پایه‌های اعتقادی جوانان نسبت به برخی از اصول و آرمان‌ها.

ب) تجددگرایی، علم‌زدگی و عقل‌گرایی افراطی، تلاش برای تطهیر غرب و غرب‌گرایی، بی‌اعتبار نشان دادن علوم و آموزه‌های اسلامی به بهانه تطابق نداشتن با دانش‌های نوین بشری، طرح جدایی دین از سیاست، ترویج بی‌حجابی و بدحجابی و

پوشش‌های مستهجن و خلاف شئون اسلامی، رواج مدهای غربی و بی‌بدواری، تهیه و پخش فیلم‌ها و موسیقی‌های ضد اخلاقی از خوانندگان فاسد، توزیع گسترده عکس‌های مبتذل، تولید و پخش مشروبات الکلی و مواد مخدر، چاپ و نشر کتب و مجلات ضد اخلاقی، جایی، عشقی و رمان‌های مبتذل، تشکیل مجالس لهو و لعب و... نمونه‌هایی از این دسیسه‌های دشمن‌اند؛ هر چند، ابزار تهاجم فرهنگی، محصور به این موارد نیست و تمام موارد فرهنگ‌های مکتوب، شفاهی، عمومی و تصویری را دربر می‌گیرد.^{۱۴}

ابزار تهاجم فرهنگی

۱. زبان: جایگزینی زبان بیگانه در گفتگوهای رسمی و عمومی؛^{۱۵}
۲. کتاب و مجله: انتشار بدون در نظر گرفتن تطابق آن با فرهنگ بومی؛
۳. وسایل ارتباط جمعی؛^{۱۶}
۴. کالاهای مصرفی: ترویج تجمل‌گرایی؛
۵. چاپ و توزیع عکس و پوستر؛
۶. نفوذ برخی مستشرقین.^{۱۷}

راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

امروزه بیشتر کشورها در پی راهکارهای کاهش تخریب و تضعیف فرهنگ خود از طریق رسانه‌های همگانی هدایت‌شده‌اند؛ هرچند در دنیای امروز، کشورها نمی‌توانند دیواری به دور خود بکشند و از برخورد فرهنگ جامعه خود با فرهنگ‌های بیگانه، در امان باشند؛ زیرا رسانه‌های همگانی همچون شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، مردم دنیا را از آخرین پیشرفت‌ها، مدها، ساخته‌ها و هرها آگاه می‌کند. اگر فرهنگ جامعه‌ای توان خود را از دست بدهد و اگر مردمی از فرهنگ خود، گسسته شوند، قدرت درست اندیشیدن از آنها سلب می‌گردد و در این دریای ارتباط، غرق می‌شوند.^{۱۸}

برای مقابله و مبارزه با یورش فرهنگی، روش‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بسیاری گفته شده که مهم‌ترین آن از این قرار است:

۱. شناخت دقیق و همه‌جانبه‌پوش

یکی از موارد مهم و اساسی در این مبارزه، شناخت ابعاد و ریشه‌های آن است؛ زیرا زمانی می‌توانیم در برابر این پدیده برنامه‌ریزی کنیم که از دشمن مهاجم و برنامه‌های او، آگاهی کافی داشته باشیم و مناسب با آن، سلاح تدافعی خود را به کار گیریم.^{۱۹}

۲. شناخت دقیق و کامل فرهنگ اسلامی و ملی

گام دوم در مبارزه با تهاجم فرهنگی، شناخت فرهنگی اسلامی و عناصر فرهنگی آن است. افزون بر این، باید عناصر مقبول فرهنگ ملی و آداب و رسوم اجتماعی را ذخایر فرهنگی یا ارزش دانست و آنها را زنده نگه داشت. ^{۲۰} در این مورد، آگاه نمودن نوجوانان و جوانان و مانوس کردن آنان با مفاخر فرهنگی اهمیت ویژه‌ای دارد.

۳. اصلاح برنامه‌های علمی و اقتصادی

برنامه‌ریزی برای پیشرفت همه‌جانبه کشور و فراهم آوردن زمینه رفع نیازهای اقتصادی جامعه، به ویژه نیازهای جسمی و روحی نسل جوان، بیشترین نقش را در پایداری فرهنگ ملی و مصونیت در برابر فرهنگ مهاجم دارد. نیازهایی چون تحصیلات کافی، شغل مناسب، امکانات تشکیل خانواده، امکانات گذران مناسب اوقات فراغت و ...

۴. تدوین سیاست فرهنگی و تربیتی جامع

تدوین سیاست فرهنگی و تربیتی جامع از چند طریق امکان‌پذیر است.

الف) تقویت کمی و کیفی کالاهای فرهنگی داخلی در رسانه‌های جمعی داخلی

تأثیر رسانه‌های خودی در مبارزه با تهاجم فرهنگی، قطعی و انکارناپذیر است، ولی تا زمانی که جامعه به کاربرد و قدرت رسانه، فن‌آوری اطلاع‌رسانی و هر پیام‌رسانی آشنا نباشیم، نمی‌توانیم با مخاطبان خود ارتباطی منطقی و نتیجه‌بخش برقرار کنیم. بنابراین،

باید با پیشرفته‌ترین روش‌های تبلیغی مانند روان‌شناسی تبلیغ و شناسایی افکار عمومی در مباحث روان‌شناسی اجتماعی و مباحث جدید جامعه‌شناسی ارتباطات، آشنا شد. افزون بر آن، باید با نگاهی جهانی و غیر دفاعی، زمینه ترویج و تبلیغ فرهنگ خودی را فراهم آورد.

ب) استحکام مبانی تعلیم و تربیت اسلامی نوجوانان و جوانان

دین اسلام بیش از هر دین و مکتب دیگری، به تربیت اهمیت داده است؛ تربیتی که انسان را در مسیر تکامل قرار دهد و به بارگاه قرب الهی برساند. پایبندی و باور به ارزش‌های والای انسانی یکی از راه‌های جلوگیری از یورش فرهنگی است. انسان مؤمن و معتقد به ارزش‌های دینی، اگر در جامعه‌ای آکنده از پستی‌ها و شهوات قرار بگیرد، سپری محکم از تنوا و ایمان خواهد داشت. از این رو، معرفی الگوهای رفتاری صحیح، نقشی اساسی در مقابله با فرهنگ بیگانه دارد.

ج) حفظ باورها و ارزش‌های اسلامی با احیای جلسات مذهبی؛^{۱۱}

د) اوقات محبت فعالیت‌های هنری و ایجاد مراکز هدایت‌گور؛

ه) مسترش فعالیت‌های پرومورزی نهادهای فرهنگی؛

و) ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی فرهنگی و جلوگیری از دخالت افراد غیر فرهنگی؛

ز) مسترش ارتباط‌های فرهنگی با کشورهای دارای منافع مشترک؛

ح) حفظ جریان‌های فرهنگی اصیل و حمایت از مدافعان واقعی آن؛

ط) مشارکت دادن نوجوانان و جوانان در فعالیت‌های فرهنگی؛

این کار با تشکیل سمینارهای فرهنگی، مسابقات علمی و فرهنگی با حضور و مشارکت آنان، تقویت روحیه کتاب‌خوانی و انتشار بیشتر کتاب‌های مذهبی جذاب امکان‌پذیر است.

ی) تقویت پایه‌های تربیتی و اخلاقی افراد در خانواده و مدرسه؛

ک) بازنگری منابع درسی دانشگاهی به ویژه کتاب‌های ترجمه؛

ل) از بین بردن روحیه مصرف‌گرایی؛

به ویژه در مواردی که سبب وابستگی کشور می‌شود.^{۲۱}

م) تقویت روابط خانوادگی و برخورد دوستانه با جوانان؛

ن) آگاهی بخشی به مردم در مورد اهداف فرهنگسازان غربی.^{۲۲}

نقنن خانواده در مبارزه با تهاجم فرهنگی

پویایی عمومی و سیاسی هر جامعه به میزان حضور بالنده ارزش‌های دینی و ملی پذیرفته شده در آن جامعه و پایداری افراد به آنها بستگی دارد. از این رو، بهترین راه سالم‌سازی و افزایش آمادگی جامعه در برابر ترفندها و دسیسه‌های پیچیده دشمن، تلاش برای حفظ، درونی‌سازی و گسترش ارزش‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است. خانواده، نخستین کانونی است که در این زمینه می‌تواند نقش آفرینی کند. پس از آن، مدرسه و دانشگاه باید به این جایگاه مهم آگاهی داشته باشند و به فراخور نیاز افراد در دوره‌های گوناگون سی، آنان را یاری کند؛ زیرا فراهم آوردن زمینه تغذیه سالم فکری برای نسل جدید، عبادت است.

محیط خانواده، نخستین آموزشگاهی است که می‌تواند استعداد‌های درونی اطفال را پروراند و به آنها درس شخصیت، رشادت و شهامت، بخشش و سخاوت، راستگویی، عفاف، امانت‌داری و بزرگ‌مشی بیاموزد و یا به عکس، صفات زشت و ناپسند و انحراف و تربیت نادرست را آموزش دهد.

تربیت خانوادگی ماندگارتر از هر تربیت دیگری است؛ زیرا کودک بیشتر وقت خویش را در خانواده سپری می‌کند و پیوسته رفتارهای خانواده را مشاهده، تقلید و پیروی می‌کند. او عادت‌ها، تجربه‌ها و مهارت‌ها را از اعضای خانواده فرامی‌گیرد و در

خود به نمودهای رفتاری تبدیل می‌کند. به همین دلیل والدین در راهمایی و تربیت فرزندان مسئولیت‌سگویی بر عهده دارند.

وظیفه خانواده در عرصه مقابله با تهاجم فرهنگی، بسن راه ورود فرهنگ مهاجم به خانه و در واقع مقاوم‌سازی نسل جوان است. در حقیقت برای جلوگیری از نفوذ و گسترش مفاسد و بازسازی نسل جدید از پیوستن به جرگه‌های فساد، باید شیوه صحیح تربیت اسلامی را در پیش گرفت. خانواده‌هایی که ضعف تربیتی دارند و در مقابله با تهاجم فرهنگی توانمند نیستند، خانواده‌هایی که بی‌حفاظ، مسئولیت‌گریز و نابسامان‌اند و آنها که از تربیت فرزندان، آگاهی و نیز احساس مسئولیت ندارند، بیشتر هدف این یورش قرار می‌گیرند. بر این اساس، بهترین راهکار مقابله با تهاجم فرهنگی، پیشگیری از انحراف فکری جوانان است.

راه‌های پیشگیری از انحراف فکری جوانان

همان‌گونه که برای تأمین سلامت جسمی افراد جامعه، اولویت با پیشگیری و ایمن‌سازی افراد است، در تأمین سلامت فکری و اعتقادی جامعه نیز باید پاک‌سازی محیط از آلودگی‌های فکری، روانی و اعتقادی و پیشگیری از گسترش آن را در اولویت قرار داد. به همین دلیل سیاست‌گذاری‌های فرهنگی باید به گونه‌ای باشد که محیط خوب و سالمی برای جوانان و نوجوانان فراهم آید.

لازم است کارگزاران تربیتی، نهادهای فرهنگی و خانواده‌ها با برنامه‌ریزی منظم، افراد آسیب‌پذیر را شناسایی و برای ایمن‌سازی آنان اقدام کنند. همچنین افرادی که مورد تهاجم فرهنگی بیگانه قرار گرفته‌اند، باید شناسایی شوند تا با استفاده از روش‌های پیشگیرانه، آنان و دیگران از آلودگی بیشتر دور بمانند. در ارابه راهکارهای پیشگیری از فریب خوردن جوانان و نوجوانان و افتادن آنان در دام جریان‌های منحرف، باید به شرایط سی، تفاوت‌های فردی، شرایط زمانی و مکانی و پایگاه فرهنگی و اجتماعی

جوانان و نوجوانان توجه کرد. اینک شماری از این روش‌ها را برمی‌شماریم:

۱. نهادینه کردن باورهای دینی و پرورش اخلاق و فهم اجتماعی

در جامعه‌ای که در مقابل ارزش‌های اخلاقی احساس مسئولیت می‌شود و در برابر زیر پا گذاشتن آنها واکنش نشان داده می‌شود، ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی به تدریج در وجود اعضا نهادینه می‌شود. افزون‌تر اینکه افراد با سلسله مراتب ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها نیز آشنا می‌شوند؛ زیرا می‌باید که جامعه در برابر تخلف از برخی ارزش‌ها، واکنش شدید و در مقابل تخلف از برخی دیگر، واکنش کمتری نشان می‌دهد. همچنین درمی‌یابد که کدام ثابت و کدام متغیر است، در کجا باید رعایت شوند و در کجا رعایت آنها لازم نیست.

رعایت ارزش‌ها، تأیید و واکنش مثبت دیگران را در پی دارد و رعایت نکردن آنها با واکنش منفی روبرو می‌شود. همین سبب می‌شود رعایت ارزش‌ها با تجربیات خوشایند و زیر پا نهادن آنها با تجربیات ناخوشایند، شرطی شود. بدین ترتیب، فرد کم‌کم با ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شود و آنها را درونی می‌کند. در نتیجه، نظام ارزشی مطلوب در فرد شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود.

افزون بر پرورش پسندها و از میان بردن ناپسندها از طریق پرورش توانایی پایداری عملی به ارزش‌های اخلاقی، بخش دوم تربیت اخلاقی در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ، پرورش فهم و تعقل اخلاقی است؛ چراکه در سیره آنان، پسندهای اخلاقی، بدون فهم و شناخت و آگاهی، ارزشی ندارد.

در این مورد، وظیفه مهم والدین این است که از کودکی تا نوجوانی و جوانی، به تدریج و با حکمت، در آنان بیس و بصیرت عقیدتی را ایجاد نموده و رشد دهد. مقصود از بیس عقیدتی آن است که:

- نوجوان و جوان دریابد اسلام هم دین است، هم قانون حاکمیت؛ در امور سیاست و حکومت، هر دو دخالت می‌کند. اسلام دینی جاودانه است و برای تمامی شرایط

زمانی و مکانی، توانایی حل مشکلات بشری را دارد. شمول و کمال و تازگی و جاودانگی، اسلام را از سایر مکاتب متمایز می‌کند.

- او بداند که قرآن عظیم، قانون و راه و رسم زندگی فردی و اجتماعی را به ما می‌آموزد.

- نوجوان و جوان باید از جبهه روحی و فکری به فرهنگ اسلامی مجهز شود و به شیوه‌ای مناسب با دعوت اسلامی آشنا شده، در آن سهیم باشد.

- او باید با نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و یورش‌های آنان، به ویژه در جبهه فرهنگی آشنا باشد و بداند نقشه‌های خائنه دشمنان برای نابودی باورهای اسلامی و کاشتن بذر بی‌دینی در نسل مسلمان دنیای امروز است.

از میان راه‌های ایجاد بیش عقیدتی در نوجوانان و جوانان، می‌توان به آموزش دقیق، عرضه الگوی شایسته، نهادینه کردن مطالعه همه‌جانبه و فراگیر و راهماری در انتخاب دوستان صالح و شایسته اشاره کرد.

همان‌گونه که گفته شد، بیادی‌ترین روش پیشگیری از فریب خوردن جوانان، گسترش زمینه‌های ساخت آموزه‌های الهی و درونی‌سازی باورهای مذهبی است. از آنجا که «مذهب» و «خدایپرستی» در آیین فطرت انسان، نقش بسته و «کمال‌جویی» در نهاد انسان نهفته است، کافی است پدران، مادران و کارگزاران فرهنگی با برنامه‌های تبلیغی و هدایتی، فطرت خداجوی جوانان و نوجوانان را شکوفا سازند. افزایش آگاهی‌ها به همراه دستیابی به معرفت و باورهای دینی باید به گونه‌ای باشد که جوانان در برابر تبلیغات دشمن، ایمن شوند.

۲. پسترسازی حضور جوانان در مکان‌های مذهبی

انسان برای ادامه زندگی و تأمین نیازهای خود، با محیط ارتباط برقرار می‌کند. محیط نیز مواهب خود را به رایگان در اختیار انسان قرار نمی‌دهد و در مقابل مواهب خود، بر شخصیت و رفتار و گفتار وی تأثیر می‌گذارد. اگر محیط صالح باشد، به طور معمول

رفتار فرد نیز صالح خواهد شد و به عکس، محیط فاسد کم کم انسان را فاسد کرده و او را به سوی رفتارهای ناشایست سوق می‌دهد. به همین سبب می‌توان گفت در بیشتر موارد، تربیت اخلاقی بدون محیط سالم امکان‌پذیر نخواهد بود. شاید به همین دلیل، پیامبر ﷺ و اهل بیت^{علیهم‌السلام} از محیط‌های ناسالم دوری می‌کردند و پیروان خود را از ورود به چنین مکان‌هایی باز می‌داشتند. نتیجه پژوهش‌های انجام شده در روان‌شناسی نیز بیان می‌کند که حضور عوامل نامناسب، انسان را به سوی رفتارهای ناپسند سوق می‌دهد. اسمیت^{۲۴} و مکی^{۲۵} می‌نویسند:

برخی تحقیقات نشان داده‌اند که حضور برخی عوامل در جامعه، موجب رفتارهای خلعی می‌شوند. برای مثال، پرکویتز می‌گوید حضور اسلحه و دیگر ابزارهایی که برای خشونت به کار می‌روند، رفتارهای خشن را افزایش می‌دهند و این مطلب در مورد افراد آرام هم صادق است.

همچنین تحقیقات مختلف نشان داده است که تماشای خشونت در تلویزیون می‌تواند موجب افزایش رفتار خشونت‌آمیز گردد و نبود عواملی که تداعی‌کننده خشونت هستند، موجب کاهش رفتارهای خشن می‌شوند.^{۲۶}

از این رو، در مورد تهاجم فرهنگی می‌توان گفت فراهم آوردن زمینه حضور جوانان و نوجوانان در مساجد و نماز جمعه و بهره‌گیری آنان از برنامه‌های سازنده و روح‌بخش مذهبی، جوانان را با خدا مانوس می‌سازد و به زیور خوبی‌ها و زیبایی‌ها آراسته می‌گرداند.

۳. تشویق به مطالعه کتاب‌های دینی

ممکن است برخی جوانان به دلیل تبلیغات رسانه‌های گروهی، نسبت به آگاهی از مسایل دینی احساس بی‌نیازی کنند و انگیزه‌ای برای مطالعه نداشته باشند. باید کوشش شود این احساس کاذب از میان برود و انگیزه مطالعه فراگیر در آنان ایجاد شود. این رفتار باید از کودکی در فرد نهادینه شود. منظور از مطالعه فراگیر آن است که مربی

کم کم و به تناسب توانایی فکری و عقلی فرد، از نقطه‌ای مشخص آغاز نماید و به نهایتی شایسته پایان دهد. برای رسیدن به این مقصود، در سنی که کودک قادر به تعقل و تمیز است، می‌توان مجموعه‌ای از کتاب‌های داستانی درسی، سرگذشت بزرگان، حکایات نیکان و اخبار صالحین را تهیه نمود و در اختیار او قرار داد. همچنین، می‌توان کتاب‌هایی درباره نظام اخلاقی، عقیدتی و سیاسی اسلام را در اختیار آنان قرار داد. پس از تثبیت نظام فکری، نوبت کتاب‌هایی است که از دسیسه‌ها و نقشه‌های شوم صهیونیسم جهانی و مادی‌گرایان بر ضد اسلام و مسلمین بحث می‌کند. مجلات و روزنامه‌هایی که اخبار روز را بیان کرده و درباره راه حل مشکلات و معضلات فعلی مسلمین بحث می‌کند و به شیوه‌ای مطلوب و روشی مناسب، مواضع صحیح را به مسلمانان نشان می‌دهد، باید در دسترس نوجوانان و جوانان قرار گیرد. البته باید به این نکته مهم نیز توجه کرد که کتاب‌ها و نشریات باید با رعایت شرایط سنی، فرهنگی و فکری نوجوان و جوان همراه باشد تا بیشترین فایده و بهترین نتایج را به بار آورد. تردیدی نیست که مریبان و والدین با رعایت این مراحل، توانایی فکری آنان را پرورش داده و به فرهنگ غنی و ارزشمند اسلامی مجهز می‌نمایند و به این ترتیب، با یورش‌های همه‌جانبه دشمنان مقابله می‌کنند.^{۳۶}

۴. تشکیل جلسه‌های مذهبی و ایجاد سرگرمی متناسب

یکی از عوامل مهم انحراف نوجوانان و جوانان، استفاده نادرست از زمان‌های بی‌کاری است. مریبان و والدین باید از نیروی جوانی، جنب‌وجوش و انرژی سرشار جوانان بهره و استفاده مطلوب را ببرند تا نوجوانان و جوانان از اوقات فراغت خویش در حفظ سلامتی و پرورش جسمی بهره گرفته، نشاط زندگی را تجربه کنند. اگر جایگاه ویژه‌ای برای بازی و تفریح سالم و تمرین‌های ورزشی و فعالیت‌های علمی و تحقیقی برای نوجوانان و جوانان ایجاد نشود، نیروی سرشار آنان به هدر می‌رود و به جای کارهای مثبت و مفید، به هم‌صحبتی و همراهی با دوستان ناباب و ناصالح می‌پردازند و

یا به سوی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای ترویج کسده فرهنگ غربی می‌روند و به سوی انحراف و بدبختی کشیده خواهند شد.

فیلم‌ها، مجلات و نشریات زبان‌بازی که بیشتر جایی را ترویج کسده فرهنگ مبتذل غرب‌اند، باعث برانگیخته شدن احساسات جنسی در جوانان می‌شود و حس ارتکاب به جرم و جایت را در آنان افزون می‌سازد. والدین باید بدانند که این فیلم‌ها، از خطرناک‌ترین عوامل تربیت‌اند که در صورت نبودن امکان تفریح سالم، جوانان به سوی آنها جذب می‌شوند.

نکته مهم دیگر اینکه اگر نوجوان و جوان در بستر فاسد و منحرفی قرار گیرد و دچار لغزش روحی شود، دیگر نصیحت پدر و مادر و مربی را نخواهد پذیرفت. بنابراین، پدر و مادر و خانواده باید عواملی را که سبب انحراف عقیدتی و اخلاقی فرزندان و جوانان می‌شود، از میان بردارند. یکی از راهکارهای آن، ایجاد سرگرمی‌های مناسب برای پرکردن اوقات فراغت جوانان است.

اسلام با رهنمودهای بلند و حکیمانه‌اش، راه بهره‌گیری از نیروها و اوقات فراغت را به شیوه‌ای عملی روشن ساخته است. اولین گامی که در این راه برمی‌دارد، در مورد اندیشه و فعالیت روحی است. این راهکار، عبادت است که در کامل‌ترین شکل خود یعنی نماز، تجلی می‌کند و توصیه می‌کند که عبادات به ویژه نماز را از همان ابتدا به کودکان خویش بیاموزید؛ زیرا نماز پایه دین و ستون آن است که فواید روحی و جسمی زیادی دارد و اثرهای شگفت‌انگیزی در اخلاق و شخصیت انسان بر جای می‌گذارد.

از وسایل و عوامل سودمند دیگری که می‌توان برای پرکردن اوقات فراغت جوانان و نوجوانان از آن بهره برد، ورزش‌هایی چون اسب‌سواری، شش، کشتی، دو میدانی و آموزش‌های نظامی است. والدین باید فرزندان را عادت دهند تا با مطالعه هدف‌دار، تفریح‌های سالم و ورزش‌های گوناگون، از فرصت‌ها، بهترین استفاده را بیاورند. برای

رشد فکری و مطالعه سودمند، ساختن و توجه به کتابخانه‌های بزرگ و مجهز نیز ضروری است.^{۲۸}

باین، با تشکیل جلسه‌های آموزش مسایل دینی، سیاسی و اجتماعی، گردش‌های دسته‌جمعی و جلسه‌های دعا و نیایش که از هدف‌های رفتاری مشخص و درازمدت برخوردارند، می‌توان علاقه جوانان را به این امور جلب کرد. در این زمینه می‌توان از هنر و ادبیات نیز در انتقال باورهای دینی بهره برد. نمایش فیلم‌های سودمند با درونمایه مذهبی، گزارش‌های مستند جنگ تحمیلی و بازدید از مناطق جنگی، در تقویت دین‌باوری نسل جوان مؤثر است.^{۲۹}

۵. تشکیل جلسه‌های پرسش و پاسخ و صفت و نمو

با توجه به اینکه جهان‌بینی، زیرسای بایدها و نبایدها و انتخاب‌های ارزشی و اخلاقی است و فرهنگ غنی قرآن و عترت^{۳۰} بر اساس جهان‌بینی توحیدی استوار است؛ تشکیل و گسترش نشست‌های بحث در مورد اصول عقاید و رفع ابهام و تردیدهای عقیدتی از نسل جوان در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها ضروری است، تا این نسل از گذرگاه تردید بیرون آید و متوقف نگردد.

برای نتیجه‌گیری مطلوب از این برنامه، باید میدان برای طرح اشکال و ابهام عقیدتی نسل جوان باز باشد تا بتواند آنها را آزادانه و صادقانه بیان دارند و افراد آگاه و متخصص، با بحث‌های عقلی و منطقی، جوابی قانع‌کننده و خالی از نقص و نقض به آنان بدهند.

باید پذیرفته شود که سکوت و کم‌رنگی مباحث اعتقادی در میان نسل جوان امروز، ناشی از وجود باورهای توحیدی نیست، بلکه ناشی از نبودن زمینه طرح و ابزار است که باید بدان توجه شود. اگر این مهم مورد توجه قرار نگیرد، امکان توفیق تهاجم فرهنگی غرب فزونی می‌یابد.

۶. فراهم آوردن محیط دوستانه در خانواده

اسلام، پدران و مادران را در پرورش اخلاقی فرزندان خویش، مسئول می‌داند و یکی از وظایف اساسی و حساس آنها را تربیت فرزند دانسته است. پدران و مادرانی که با سهل‌انگاری از تربیت فرزندان خود سر باز می‌زنند، از دیدگاه دین و اجتماع، خطا کارند؛ چرا که فرزند نالایق و فاسد، افزون بر اینکه برای پدر و مادر خود زیان آور است، مزاحم و سریار اجتماع نیز خواهد بود. محبت و خوش رفتاری در تربیت نقش بسیار مهمی دارد و احساسات و عواطف کودک را شکوفا و بارور می‌سازد. از سوی دیگر، عقده‌های روانی و کمبود عواطف، دامن‌گیر فرزندان نمی‌گردد.

رسول اکرم ﷺ درباره پرورش اخلاقی کودکان فرمود: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَئِنَّكُمْ مَسْئُورُونَ»^{۲۱} فرزندان خود را تربیت نمایید؛ چه در برابر آنان، مسئولیت بس بزرگی دارید». امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ»^{۲۲} کودکان خود را بزرگ و گرامی داشته، خوب تربیت نمایید».

به این نکته باید توجه نمود که رفتار بد با کودک، از عوامل انحراف فرزندان است و در مورد این تأثیر، صاحب‌نظران امور تربیتی و پرورشی هم‌نظرند. اگر نوجوان پیوسته با رفتار خشن والدین روبه‌رو شود و پی‌درپی سرزنش گردد، در مقابل این رفتارها واکنش بدی نشان خواهد داد که اثر آن در اخلاق و شخصیت وی بروز می‌کند. چنین فرزندی یا به مقابله با والدین خواهد پرداخت و با آنها جدال خواهد کرد، یا خانواده را ترک خواهد کرد تا خود را از رفتارهای آزاردهنده رها نماید و یا... جای هیچ تعجیبی نیست که چنین فردی به مجرمی تبیه‌کار تبدیل شود و به جای تکامل در مسیری صحیح به انحراف و بی‌بندوباری کشیده شود.

نکته مهم دیگر در این باره، هماهنگی والدین و نیز هماهنگی خانواده با دیگر مراکز تربیتی در تربیت فرزند است تا آموزه‌های اخلاقی و دینی آنان مؤثرتر واقع شود.

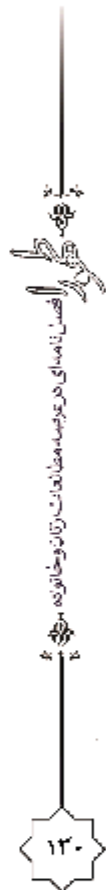
گاهی همه عوامل تربیتی فراهم است، ولی مرادده یا دوستان ناباب فرد را منحرف کرده، از هدایت و رشد باز می‌دارد.^{۲۲} این عامل زمانی بیشتر خودنمایی می‌کند که فرد رشد ذهنی مناسبی نداشته یا ضعف عقیدتی دارد. در چنین مواردی فرد خیلی زود از دوستان ناباب خود تأثیر گرفته و همراه آنان به راه شقاوت و بدبختی گام می‌نهد تا جایی که جرم و خلاف جزو طبیعت او می‌شود. پس از این مرحله، بازگرداندن او به راه راست و نجات از باتلاق بدبختی و انحراف بسیار مشکل است.

یکی از نکات مهم در آموزه‌های تربیتی که باید والدین و مربیان به آن توجه نمایند، دوستان نزدیک فرزندان آنها است. این موضوع در سن نوجوانی و جوانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. باید بر رفت و آمدهای فرزندان نظارت و آنها را راهنمایی کرد تا دوستان شایسته‌ای برگزینند که آداب مطلوب و اخلاق ارزشمند و عادات پسندیده را از آنان کسب کنند و آنان را از هم‌نشیان ناشایست و رفیقان بد، بر حذر دارند تا در دام گمراهی و انحراف و تهاجم فرهنگی، گرفتار نشوند.

از آنجا که نوجوانان در سن بلوغ، بسیار حساس‌اند، نباید در این دوره با سختی و خشونت با آنان رفتار کرد. اگر افراد خانواده به ویژه پدر و مادر، به نیازهای عاطفی و روان‌شناختی جوانان و نوجوانان در محیط خانواده توجه کنند، آنان انگیزه‌ای برای دوستی با افراد ناباب نخواهند داشت. پس پدران و مادران باید بکوشند محیطی آرام و سرشار از محبت و احترام برای جوانان خود فراهم آورند.^{۲۳}

نتیجه‌گیری

در زندگی بشر همواره فرهنگ، جاری بوده و جامعه‌ای که فرهنگ ویژه‌ای ندارد، مرده است. فرهنگ بالنده، برای تکامل، باید توانایی تبادل با سایر فرهنگ‌ها و جذب بخش‌های مثبت آن را داشته باشد. بنابراین، تمام فرهنگ‌ها با یکدیگر در تعامل‌اند.



از سوئی، در عصر حاضر نظام سرمایه‌داری به سرپرستی آمریکا که با تک‌قطبی شدن جهان و فروپاشی رژیم شوروی سابق، یک‌تاز عرصه جهانی شده است، به شکل‌های مختلف می‌کوشد تا نظریه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را به تمام کشورهای جهان، تحمیل کند و فرهنگ متناسب با مافع درازمدت خود بر جهان حاکم سازد. از سوی دیگر، سایر ملت‌ها نیز در برابر این زیاده‌خواهی آمریکا برای حفظ و پاسداری از فرهنگ ملی و بومی خود مقاومت می‌کند و فرهنگ اسلامی توانسته در صد سال اخیر در برابر این هجوم، اصالت خود را حفظ کند.

استعمارگران، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی است. آنان می‌خواهند ارزش‌های مورد پسند خود را ارزش‌های مرفه‌ی جلوه دهند و جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت‌ها سازند و از این راه، بدون دغدغه از آینده مافع خود در این کشورها مطمئن باشند. این جمع‌بندی، به ویژه در دهه‌های اخیر، مابای فعالیت‌های سازمان‌یافته گسترده‌ای قرار گرفته که غرب آنها را معیارهای تمدن، رشد و توسعه معرفی می‌کند، ولی در فرهنگ ملت‌ها، از این کارها با تعبیر مختلفی یاد می‌شود که مفهوم مشترک آنها در تعبیر «هجوم فرهنگی» نهفته است.

مقاوم‌سازی نسل در برابر توطئه‌ها و قطع زمیبه‌های تهاجم‌پذیری، در درون خانواده‌ها و با تربیت صحیح فرزندان ممکن می‌باشد. در اهمیت خانواده همین بس که خانواده از نهادهای بیادین جامعه انسانی است که همواره به اشکال گوناگونی در تاریخ وجود داشته است. این نهاد با کارکردها و نقش‌های مختلفی که بر عهده دارد، در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی ایفا می‌کند؛ چه انسان در درون خانواده متولد شده، رشد یافته و بسیاری از امور و مفاهیم را از خانواده فرامی‌گیرد و همواره با آن سروکار دارد. مهم‌ترین تجربه‌های انسانی که اساسی‌ترین عوامل شکل‌دهنده شخصیت است، در درون خانواده نمود پیدا می‌کند و آموختن زبان، آداب و رسوم و

برقراری روابط اجتماعی، ظهور اندیشه‌ها و همچنین جهت‌دهی به شخصیت انسان، از خانواده آغاز می‌شود. از این رو، خانواده تأثیر ژرفی بر دیگر نهادهای اجتماعی دارد. برای مقابله با تهاجم فرهنگی نیز خانواده‌ها می‌توانند با تربیت دینی فرزندان خود نقش ارزشمند خود را در جامعه و به ویژه در جامعه اسلامی به ظهور برسانند.

نهادینه کردن باورهای دینی، بسترسازی برای حضور جوانان در مکان‌های مذهبی، تشویق جوانان و نوجوانان به مطالعه کتاب‌های دینی، تشکیل جلسه‌های مذهبی، ایجاد سرگرمی‌های مناسب، انتخاب دوستان شایسته، تشکیل جلسه‌های پرسش و پاسخ و فراهم آوردن محیط دوستانه، از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از انحراف فکری جوانان و مقابله خانواده با تهاجم فرهنگی بیگانگان است.



بی‌نوشت‌ها

۱. حمید حاودانی شامدین، درآمدی بر شناخت ابعاد نهاد فرهنگ و نحوه مقابله با آن، ص ۸۶.
 ۲. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، فرهنگ و نهاد فرهنگ، صص ۱۹ و ۲۰.
 ۳. نوشین پایان و نیره مطبوع، بررسی عوامل مؤثر در استحکام زندگی زنانجویی دانشجویان، ص ۵۲.
 ۴. مریم خزعلی، خانواده و فرهنگ عمومی، ص ۳۶.
 ۵. محمود روح الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی - پویایی و پذیرش، ص ۲۶.
 ۶. یونس فیضی زاده، خصوصیات فرهنگی، ص ۱۲.
 ۷. زمینه فرهنگ‌شناسی، پویایی و پذیرش، ص ۱۱۰.
 ۸. محمد سعید قیاس، درآمدی بر نهاد فرهنگ غرب، صص ۳۱ و ۳۲.
 ۹. زمینه فرهنگ‌شناسی - پویایی و پذیرش، ص ۱۱۱.
 ۱۰. سعید خرم، معرفت، ص ۱۵.
 ۱۱. میشال بانوف، فرهنگ مردم‌شناسی، صص ۱۷ و ۱۸.
 ۱۲. خصوصیات فرهنگی، ص ۱۹.
 ۱۳. سار هدایتخواه، نهاد فرهنگ، ص ۶۲.
 ۱۴. حلیل مسگرزاد، مابین ادبیات و علوم ادبی در بازاری نهاد فرهنگ، ص ۴۶.
 ۱۵. اسماعیل شفیعی سروسنایی، نهاد فرهنگ و نقش تاریخی روشنفکران، ص ۷۲.
 ۱۶. اصغر افتخاری و علی اکبر کمالی، رویکرد دینی در نهاد فرهنگ، ص ۱۹۰.
 ۱۷. حاوید صلاهی، نهاد فرهنگ و مقابله با آن، ص ۶۲.
 ۱۸. زمینه فرهنگ‌شناسی - پویایی و پذیرش، ص ۱۱۰.
 ۱۹. فرهنگ و نهاد فرهنگ، صص ۲۸۲ و ۲۸۳.
 ۲۰. درآمدی بر نهاد فرهنگ غرب، صص ۳۴۶ و ۳۴۵.
 ۲۱. محمد تقی مصباح یزدی، نهاد فرهنگ، ص ۱۲۷۶، ص ۱۲۷.
 ۲۲. نهاد فرهنگ و مقابله با آن، ص ۱۱۸ درآمدی بر نهاد فرهنگ غرب، ص ۴۹.
 ۲۳. محمد تقی مصباح یزدی، نهاد فرهنگ، صص ۱۲۹ و ۱۲۳.
۲۴. smith
۲۵. Mackie
۲۶. محمد داودی، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع): تربیت اخلاقی، ص ۱۱۵.
 ۲۷. عبدالله ناصح علوان، چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم؟، ج ۱، صص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۲۸. همان، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.
۲۹. محمد خداپاری فرد، مسایل نوجوانان و جوانان، ص ۹۸.
۳۰. عباس قلی، سفینه البحار و مدینه المحکم و الآثار، ج ۲، ص ۲۷۸.
۳۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۱۶.
۳۲. حمید فداحی، با جوانان در ساحل خورشیدی، ص ۶۱.
۳۳. علی فانی، خانواده و مسایل نوجوان و جوان، ص ۲۰۵.



فهرست منابع

۱. افتخاری، اصغر و علی اکبر کمالی، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۲. بانوف، میشل، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه علی اصغر عسکری خانقاه، تهران، انتشارات ویس، ۱۳۶۸.
۳. خدایاری فرد، محمد، مسایل نوجوانان و جوانان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۲.
۴. خرم، مسعود، هویت، تهران، حیوان، ۱۳۷۸.
۵. داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، تربیت اخلاقی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۶. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، پویایی و پذیرش، تهران، نشر عطار، ۱۳۷۲.
۷. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.
۸. شفیع سروستانی، اسماعیل، تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۲.
۹. صلاحی، حاوید، تهاجم فرهنگی و مقابله با آن، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۶.
۱۰. علوان، عبدالله ناصح، چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم؟ ترجمه عبدالله احمدی، تهران، احسان، ۱۳۸۸.
۱۱. فتاحی، حمید، با جوانان در ساحل خورشیدی، قم، الهادی، ۱۳۷۷.
۱۲. قیاض، محمد سعید، درآمدی بر تهاجم فرهنگی غرب، تهران، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، المجله ۱۰، لدر انتخاب لائمه الاطهار، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۷۸.
۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی، تهاجم فرهنگی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶.
۱۵. هدایتخواه، سارا، تهاجم فرهنگی، تهران، نشرات معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۷.

نندریات و پایان نامه‌ها

۱. پایان، نوشین و نیره مویع، بررسی عوامل مؤثر در استحکام زندگی زنانجویی دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۸.
۲. حاوولی شاهنرین، حمید، درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی و نحوه مقابله با آن، مجله حوزه و دانشگاه، ش ۳۵، تابستان ۱۳۸۲.

۳. خزعلی، مریم، «خانواده و فرهنگ عمومی»، مجله پیوند، ش ۲۱۷، آبان ۱۳۷۶.
۴. قانسی، علی، «خانواده و مسایل نوجوان و جوان»، مجله شفق، ش ۵، ۱۳۷۰.
۵. قیصری زاده، یونس، «خصوصیات فرهنگی»، مجله اطلاعات علمی، ش ۲۸، آبان ۱۳۶۳.
۶. مسگر نژاد، حلیل، «مقایسه ادبیات و علوم ادبی در بازداری تهاجم فرهنگی»، مجموعه مقالات کنفرانس تهاجم فرهنگی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۳.

